

توسعه شهرنشینی و پیامدهای آن

(با تکیه بر مورد ایران)

دکتر نصراله پور افکاری^۱ دکتر صمد کلانتری^۲ اسداله نقدی^۳

چکیده

شهرنشینی یکی از مهمترین پدیده های عصر حاضر است. تا جائیکه صحبت از انقلاب شهری در دنیا می شود. در ایران تحول شهرنشینی بسیار شتابان و سریع بوده است. متوسط رشد شهرنشینی در دوره مورد بررسی ۴/۴ درصد بوده است در حالیکه رشد تولید ناخالص داخلی در همین دوره ۱/۴ بوده است. از سوی دیگر یک قانون ساده جامعه شناختی می گوید هر تحول و تغییر خارج از قاعده و سازمانی منجر به پیامدهای ناخواسته بسیاری می شود. الگوی توسعه شهری در ایران الگوی تسلط تک شهری و نیز تمرکز گرایانه بوده است. در سه چهار دهه اخیر ایران چندین بوم (Boom) مختلف را پشت سر گذاشته از آن جمله بوم نفت، بوم شهرنشینی و بوم زایشهای بسیار (جمعیت). در چنین شرایطی شهرنشینی با پیامدهای بسیاری همراه خواهد بود از جمله توزیع بیعدالتی، گسترش آسیبهای اجتماعی و ناهمگونی فزاینده اجتماعی و کمک به گسترش انواع بحرانهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی.

واژگان کلیدی

شهرنشینی، پیامدهای شهرنشینی، توسعه انسانی، امید زندگی، بوم، تولید ناخالص داخلی، مشارکت، آسیبهای اجتماعی، نوگرایی

۱- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

۲- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

۳- عضو گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا

مقدمه

مطالعه شهر در معنای امروزی رشته جدیدی ست، اگرچه شهر و توجه به آن از قدمت بیشتری برخوردار است. در معنای اخیر پس از انقلاب صنعتی ست که شهر در کانون توجه متفکران قرار می‌گیرد، با این حال، شهر همیشه مشغله فکری بشر بوده است: در دنیای کهن مطالعه شهر در آثار ارسطو، افلاطون و آگوستین، در قرون میانه در نظریات ماکیاوولی همچنین در آثار فیلسوفان قرن ۱۷ مانند 'بودن' مطرح شده است و در طول قرن ۱۸ شهر در تئوری اجتماعی ژان ژاک روسو بازتاب می‌یابد، ... اما هویت جامعه و شهر پس از انقلاب صنعتی است که تغییر اساسی پیدا می‌کند (ennett, ۱۹۷۰:۵). پس از این تغییرات، شهر در کانون توجهات صاحب‌نظران رشته های مختلف جامعه شناسی، جغرافیا، اقتصاد، برنامه ریزی و ... قرار می‌گیرد. متفکران هنگامی که راجع به عوامل و نیروهای راشد شهرها و امکان پیش بینی تحولات آتی آنها صحبت می‌کنند، دو نوع تئوری وجود دارد:

۱- تئوری توضیحی^۱: آنچه را که هست به توصیف می‌کشاند و سعی در نمایاندن علت‌هایش می‌کند.

۲- تئوری هنجاری^۲: هدف تعیین آن چیزی ست که باید باشد، یعنی یافتن بهترین جایگزین‌ها برای شرایط موجود (ادیبی ۲۵۳۶: ۱۱۲).

اما همچنان که از راسل آکوف نقل شده است در عمل معمولاً این دو نظریه یا نگرش با هم ادغام می‌شود وی یادآور می‌شود که برای بررسی رابطه دو پدیده (مانند شهرنشینی و توسعه اقتصادی) سه رابطه متصور است:

۱- رابطه علی، یعنی یکی علت دیگر است.

۲- علت احتمالی که مجموعه‌ای از علل معلول مشخص را ایجاد می‌کنند.

۳- رابطه همبستگی بین دو پدیده. در این حالت تغییر مجموعه‌ای از پدیده‌ها با تغییر عده‌ای دیگر همزمان است ولی بین آنها رابطه علی وجود ندارد.

در تحقیقات شهری نوع سوم رایجترین رابطه‌ای است که بین پدیده‌ها یافت می‌شود ولی در خیلی از موارد در اثر تحقیقات تجربی می‌توان به توضیح رابطه علی نیز پرداخت (همان مأخذ ۱۱۲)

در گزارش حاضر دیدگاه سوم بیشتر مورد تأکید واقع شده است و رابطه شهرنشینی با سایر پدیده‌های اقتصادی - سیاسی و اجتماعی مورد کنکاش قرار گرفته است.

شهرنشینی پدیدهٔ قرون جدید است، گرچه شهر و شهرنشینی از حدود ۷ هزار سال قبل از میلاد وجود داشته است ولی معنای جدید و توسعه فزاینده آن متعلق به قرون معاصر و جدید است. تعداد شهرهای بیش از ۱۰۰ هزار نفری که بشر تا قرن ۵ بعد از میلاد از زمان پیدایش شهرنشینی ساخته است ۶۷ شهر بوده است، این تعداد در طول چهار قرن بعدی (تا قرن دهم میلادی) به ۶۱ شهر تبدیل شده و تا قرن ۱۵ میلادی تنها به ۷۵ شهر رسیده است. یعنی در فاصله ۲۰ قرن (۵ قبل از میلاد تا ۱۵ ب م) تنها ۸ شهر به شهرهای با بیش از یکصد هزار نفر جمعیت جهان اضافه شده است. در حالیکه در فاصله ۴۰۰ سال اخیر از قرن ۱۶ تا قرن بیستم ۷۵ شهر یاد شده به ۱۴۴ شهر افزایش یافته است. (یعنی ۶۹ شهر اضافه شده است). که نشانگر انقلابی در زمینه توسعه شهر و شهرنشینی است.

شهرنشینی بیش از پنج هزار سال قدمت دارد. تا سال ۱۹۰۰ از هر هشت نفر، فقط یکی در مناطق شهری زندگی می‌کرد. اما در پایان قرن کنونی نیمی از جمعیت جهان شهرنشین (بودند) دو سوم از این جمعیت ۲ میلیاردی در کشورهای جهان سوم زندگی می‌کنند (گیلبرت و گالگر، ۱۳۷۵:۷). گسترش شهرنشینی بخصوص در دوره معاصر سبب دل مشغولی بسیاری از نخبگان و صاحبانظران گوناگون به مسائل و پیامدهای ناشی از توسعه شهر و شهرنشینی شده است: گسترش شهرنشینی به عنوان یک پدیده معمول در جوامع، موجب شده که مسئله 'شهر' یکی از مسائل مهم جامعه‌شناسی شود (ممتاز، ۱۳۷۹:۳).

بیان مسئله

یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد، طی یکدوره ۸۰ ساله میزان شهرنشینی در کشور ما بیش از دو برابر شده است و از ۲۸ درصد در سال ۱۳۰۰ به ۶۱٫۳ درصد در سال ۱۳۷۵ و سرانجام به ۶۵ درصد در سال ۱۳۸۰ رسیده است (نتایج سرشماریهای مختلف) و تعداد شهرهای کشور از ۱۹۹ در ۱۳۳۵ به ۶۱۴ شهر در ۱۳۷۵ افزایش یافته است (میرزائی و دیگران

۱- این مقاله خلاصه‌ای است از رساله دکتری جامعه‌شناسی با عنوان 'تحولات شهرنشینی و پیامدهای اجتماعی آن در ایران ۱۳۷۵-۱۳۵۵' در دانشگاه اصفهان به راهنمایی آقای دکتر نصراله پور افکاری و دکتر صد کلانتری و مشاوره آقای دکتر ابراهیم انصاری

۱۳۷۸: ۴۹) و در نتیجه ترکیب جمعیت کشور از یک وضعیت غالباً روستائی و عشایری به یک ترکیب دیگر: 'اکثریت شهرنشین' مبدل شده است. چنین وضعیتی در همه کشورهای جهان سوم از سال ۱۹۵۰ میلادی به بعد مشاهده می شود. هرچند آهنگ تغییر و رشد شهرنشینی میان کشورها و مناطق متفاوت است، اما تقریباً همه کشورهای جهان (از جمله ایران) بسرعت در حال شهری شدن می باشند. این مسئله مطالعه شهر و پویسهای شهرنشینی را بیش از پیش ضروری می سازد: جامعه ما بتازگی قدم در مسیر شهری شدن نهاده است، لذا مسائل و مشکلات اجتماعی، قومی و فرهنگی شهرها روزبروز اهمیت بیشتر خواهد یافت (دیکنز، ۱۳۷۷: ۸).

نظام شهرنشینی و روند سریع آن در کشورهای در حال توسعه سبب هجوم گسترده به شهرها و پیدایش بخش خدمات متورم، حاشیه نشینی گسترده، بیکاری پنهان، پیدایش دوگانگی شبکه های اجتماعی مهاجرین در شهرها می گردد. شهرهای کشورهای رشد نیافته نهادهای دورگه ای هستند که در نتیجه دو واکنش پدید آمده اند: اول واکنش به تقسیم کار اجتماعی که پدیده ای بومی است و دوم واکنش به ادغام در اقتصاد جهانی (گیلبرت و کاگلر ۱۳۷۵: ۲۱).

در کشورهای در حال توسعه بر خلاف کشورهای توسعه یافته مراحل انتقال جمعیت بسرعت طی شده است. ورود دستاوردهای تکنولوژی جدید موجب کاهش نرخ مرگ و میر و در عین حال به دلیل عدم همزمانی رشد شاخصهای اجتماعی - فرهنگی همانند باسوادی کل جامعه بخصوص باسوادی زنان و جمعیت قابل توجه روستائی نرخ زاد و ولدها در حد دوره ماقبل صنعت باقی مانده است و این امر سبب پیشی گرفتن رشد زاد و ولد بر میزان مرگ و میر و در نتیجه افزایش جمعیت شده است (ازکیا ۱۳۷۴: ۷). همزمان با این تحول رویداد دیگری در مناطق روستائی کشور پدیدار شده، در نتیجه اجرای اصلاحات ارضی و استفاده بخش کشاورزی از فن آوری روز - تراکتور، کمباین - نیروی مازاد فراوانی در جامعه روستائی ظاهر گشته، این جمعیت مازاد به دنبال فرصتی برای کار و فعالیت و سراب زندگی بهتر راهی مناطق شهری شده و چون شهرها آمادگی پذیرش این میهمانان میلیونی ناخوانده را نداشت (زیرا نرخ رشد جمعیت در مناطق شهری نیز بالا بوده و شهر حتی برای پاسخگوئی به افزایش طبیعی ساکنان

خود نیز دچار مشکل بوده است). لذا، این مناطق در کشورهای در حال توسعه به آشفته بازار اجتماعی از مشاغل کاذب، ناهنجاریهای اجتماعی، شکاف طبقاتی تبدیل گردیده است. همچنین بررسی تحولات شهرنشینی کشورها نشان می دهد که کلان شهرهای محدودی بخش عمده ای از جمعیت مناطق شهری و امکانات توسعه اقتصادی کشور را به خود جلب و جذب نمودند و چون زیر ساخت های آماده ای وجود نداشت لذا تبعات اقتصادی - اجتماعی ناخواسته فراوانی را بر نظام اجتماعی این کشورها تحمیل کرده است. زیرا در محیط شهر سازمان اجتماعی، نوع احساسات، ذهنیات و نظام معیشت با جوامع پیشین تفاوت اساسی پیدا می کند (گی روشه، ۱۳۷۵: صص ۸۵-۹۵)

در ایران پایتخت به عنوان مادر شهر اصلی بتهنایی حدود یک چهارم از جمعیت شهرنشین و حدود یک چهارم از واحدهای مسکونی را در خود جای داده است (طالقانی، ۱۳۶۹: ۱) و کلان شهرهای دیگری چون مشهد، اصفهان، تبریز، کرج، شیراز و اهواز به دنبال آن در حال رشد هستند. ۸ شهر بیش از ۵۰۰ هزار نفر جمعیت بتهنایی حدود نیمی از جمعیت شهرنشین کشور را در خود جای داده اند.

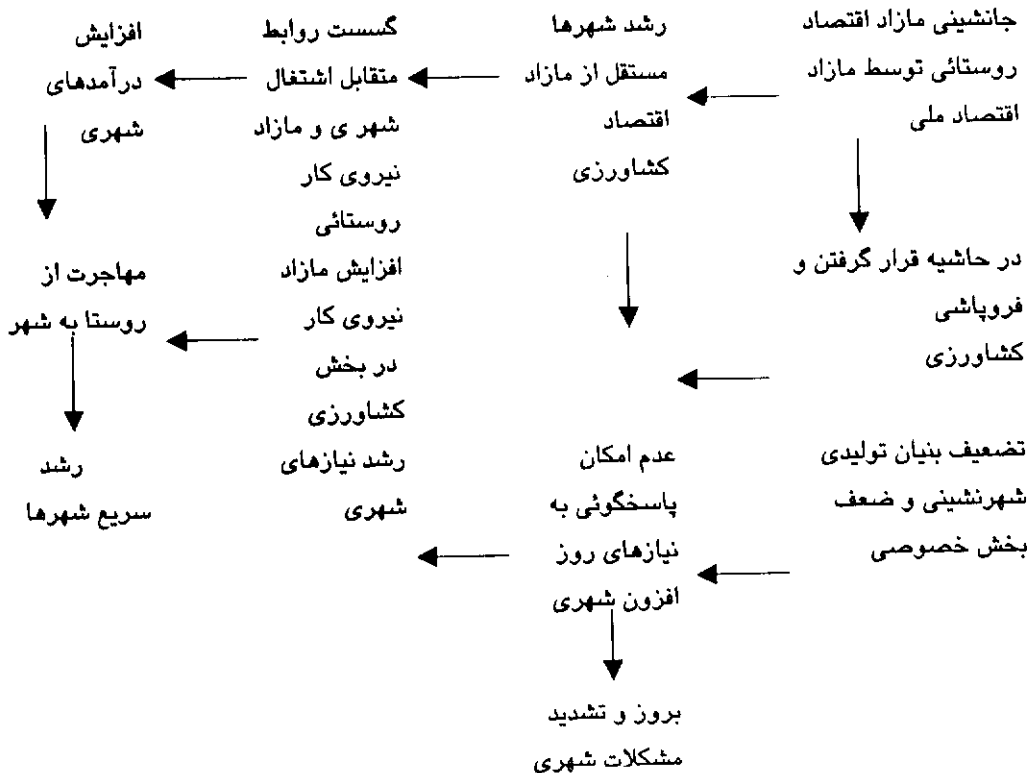
این مجموعه، الگوی شهرنشینی که از آن به "الگوی شتابان شهرنشینی" (پیران ۸۵: ۱۳۶۷) یاد می شود، علل رشد، مکانیزم و چگونگی تحولات آن را مورد کنکاش قرار داده و پیامدهای ناشی از گسترش شهرنشینی که در زبان میلور از آن به "مسائل شهری" تعبیر شده است (Mellor, ۱۹۷۰) را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. شهرنشینی در کشور ما همانند بسیاری از جوامع در حال توسعه با سرعت فوق العاده زیادی گسترش یافته است. دلیل این گرایش افراطی به شهر در ایران، این است که شهرنشینی مساوی با برخورداری بیشتر از امکانات و فرصتهای بیشتر و بهتر برای زندگی است. یک قانون ساده جامعه شناسی می گوید: هر نوع تغییر سریع و خارج از قاعده ای در جامعه انسانی می تواند موجب آشفتهگی و نابسامانی - تئوری آنومی اجتماعی - گردد (رفیع پور ۱۳۷۹: ۱۳).

تب شهرنشینی بویژه از دهه چهل به بعد در ایران آغاز و تا امروز بسیاری را مبتلا ساخته است و هنوز هستند بسیاری دیگر که در راه رسیدن به "سراب شهر" دچار این تب

هستند. صنایع، دانشگاهها، دیوانسالاری و ارتباطات نوین، بهداشت و پزشکی تخصصی همگی شهری هستند. بنابراین، مطالعه و بررسی شهر و شهرنشینی در ایران در سه محور اساسی:

- ۱- تحلیل علل رشد شتابان و سریع،
- ۲- مطالعه روندها و مکانیزمهای تحول شهرنشینی در مناطق مختلف
- ۳- بررسی پیامدهای ناشی از شهری شدن جامعه ایران مسئله اصلی این بررسی است. اما بلافاصله باید یادآور شد که مطالعه شهرنشینی بویژه در ایران سکه دورویی است که روی دیگر آن روستا و تحولات آن می باشد و تحلیل تحولات و مکانیزمهای شهری شدن بدون توجه به روی دیگر مقدر و ممکن نیست. نمودار شماره ۱ روابط علت و معلولی و پیامدهای ناشی از رشد سریع پدیده شهرنشینی را در کشور و ارتباط بخشهای مختلف نظام اجتماعی از جمله روابط متقابل بین شهر و روستا از یکسو و سیاستهای توسعه یا گسترش شهرنشینی از سوی دیگر را بخوبی نشان می دهد

نمودار (۱) چگونگی تحول و پیامدهای شهرنشینی



جامعه آماری:

این بررسی دارای سه جامعه آماری متفاوت است که عبارت اند از:

الف - شهروندان شهرهای مرکز استان کشور (۸۰۰ نفر در ۶ شهر)

ب - شهرداران شهرهای مرکز استان کشور (۲۸ شهردار)

ج - صاحب‌نظران و اندیشمندان (۵۰ نفر)

روش نمونه گیری شهروندان:

ابتدا از بین شهر های کشور ۶ شهر که معرف اقلیمهای جغرافیائی، اجتماعی و اقتصادی متفاوت موجود در کشور بودند به شرح جدول زیر انتخاب شدند، در داخل شهرها ابتدا خوشه هائی از سه محله بالا، متوسط و پائین انتخاب و در محلات به روش سیستماتیک خانوار هائی جهت پاسخگوئی برگزیده شدند.

جدول (۱) شهر و حجم نمونه انتخابی در آنها

ردیف	شهر	محله بالای شهر	متوسط نشین	پائین شهر
۱	مشهد	سجاد شهر	کوهسنگی	گاز
۲	همدان	اعتمادیه	رکتی	خضر
۳	یزد	مسکن و شهرسازی	نواب	دهه فجر
۴	خرم آباد	قاضی عسکر	ناصر خسرو	پشت بازار
۵	ساری	قارن	شهبد	خزراباد
۶	بندرعباس	گلشهر	۲۲ بهمن	۲ هزار

روش نمونه گیری شهرداران

در مورد شهرداران از روش 'تمام شماری' استفاده شد. و پرسشنامه به ۲۸ شهردار شهرهای مرکز استان کشور ارسال گردید.^۱

صاحبنظران

برای انتخاب صاحبنظران با رهیافت اشتهراری (Reputation Approach) از بین صاحبنظران داخلی بنام در رشته هائی چون جامعه شناسی شهری و توسعه در حوزه علوم اجتماعی و سایر رشته های مرتبط مانند جغرافیا بویژه گرایش جغرافیای شهری و برنامه ریزی اقتصادی با تأکید بر اقتصاد توسعه و اقتصاد ایران، برنامه ریزی شهری و منطقه ای و رشته معماری و شهرسازی نظر خواهی شد. معیار انتخاب افراد در حوزه های یاد شده داشتن تألیفات، تحقیقات، مقاله یا سوابق اجرایی، بوده است، سعی شد صاحبنظران فوق از دانشگاههای مختلف کشور انتخاب شوند.

۳-۴ ابزار گردآوری داده ها

در تحقیق حاضر به منظور جمع آوری داده ها از پرسشنامه استفاده شده است. سه نوع پرسشنامه، یکی برای جمع آوری اطلاعات از شهرداران و دیگری به منظور جمع آوری اطلاعات از صاحبنظران و سومی برای جمع آوری نظرات شهروندان مورد استفاده قرار گرفته اند.

چهار چوب نظری تحقیق

ابتدا مکاتب و نظریات گوناگون مربوط به شهر و شهرنشینی را بررسی و سپس دسته بندی های مختلف از این نظریات را مرور و در نهایت خود به دسته بندی دیگری اقدام نموده ایم:

۱- البته علی رغم تلاش مضاعف نگارنده و پی گیری کتبی، حضوری، تلفنی و آشنا تراشی تنها حدود بیست و چهار شهردار به پرسشنامه پاسخ داده اند. شهردار تهران هم پرسشنامه را به شهردار منطقه ۱۶ طی نامه ۲۷۹۳۵ ارجاع و به وسیله ایشان تکمیل شد.

مثلاً دکتر پیران به نقل از ژوبرگ دیدگاه‌های تئوریک در جامعه‌شناسی شهری را تحت عنوان جامعه‌شناسی تطبیقی شهری و شهرنشینی با توجه به متغیرهای کلیدی به چهار دسته تقسیم می‌کند: ۱- دیدگاهی که خود شهر را متغیر مستقل و کلیدی می‌شمارد، ۲- دیدگاه دوم ارزش‌های فرهنگی را عمده و کلیدی به حساب می‌آورد ۳- سومین دیدگاه، تکنولوژی را در حیات شهری تعیین‌کننده می‌انگارد و بالاخره ۴- قدرت را متغیر مستقل و کلیدی تلقی می‌کند (پیران ۱۳۶۹: ۶۵)

دکتر صدیق هم تقسیم‌بندی دیگری به شرح زیر ارائه کرده است ۱- نظریه جبرگرایی (اکولوژیکی) که مدعی ست شهرنشینی نابسامانیهای شخصیتی و اجتماعی را افزایش می‌دهد. ۲- نظریه ترکیبی که ادعای جبرگرایان را نمی‌پذیرد و چنین نتیجه‌ای را بر شهرنشینی مترتب نمی‌داند و اختلافات رفتاری روستائیان و شهریان را به ترکیب گروه‌های مختلف نسبت می‌دهد و چنین ترکیبی را صرف‌نظر از جغرافیای آن، مسبب چنان رفتاری می‌داند. ۳- نظریه خرده‌فرهنگی که سنتز دو نظریه فوق‌الذکر است، در حالیکه فرضیه اصلی نظریه ترکیبی را تأیید می‌کند، این نکته را نیز می‌پذیرد که شهرنشینی اثرات خاصی بر شهرنشینان می‌گذارد و پیامدهائی شبیه آنچه جبرگرایان آن را نشانه نابسامانی اجتماعی می‌دانند، دارد (صدیق، ۱۳۶۹: ۱۱۹).

محقق مکاتب، آرا و نظریه‌های مربوط به شهر و شهرنشینی را به سه دسته اصلی زیر تقسیم کرده است:

الف) نظریات ایجابی در خصوص شهر (نگرش مثبت)

افراد و مکاتبی بر این عقیده هستند که شهر موجب نوآوری، خلاقیت، پیشرفت و ... می‌باشد. محیط‌های شهری برای شهرنشینان آسایش، تجدد و رفاه و نوگرایی به ارمغان می‌آورد. مکتب نوسازی، برخی جامعه‌شناسان آغازین مانند کنت و بر در این طبقه بندی قرار می‌گیرند.

ب) نظریات سلبی (نگرش منفی)

طرفداران این نحله عقیده دارند که محیط‌های شهری بستری برای زائل شدن اصول اخلاقی، رشد و نمو انواع آسیب‌های اجتماعی محل بروز انواع نابرابری، از بین رفتن و سست شدن همبستگیها و عصبیتها و به طور خلاصه محل تنهایی انسان است. این دیدگاه طرفداران

راسخی همچون ابن خلدون که تئوری جامعه بدون او در مقابل (حضارت) یا عمران (شهرنشینی) بسیار مشهور است نیز تحلیلهای مارکسیستی از شهر تصور یک روبنای در نهایت از بین رفته، دارند (همانند همه روبناها که در فرجام تاریخ نابود می‌شوند) ژان ژاک روسوی فیلسوف که روی آوردن بشر به تمدن جدید و گسترش شهرنشینی را موجب تباہ شدن اصالت‌های انسانی می‌داند. نیرره، گاندی، توین بی، راسکین و نیچه هم در این نحله فکری قرار می‌گیرند.

پ) نگرشهای بینابین

در این دیدگاه نفس شهر یا زندگی شهری موجد رفاه و توسعه یا سبب انهدام اخلاقیات و اصول انسانی نمی‌شود. بلکه، آنچه مهم است، کیفیت و فرآیند شهری شدن و چگونگی مدیریت شهر یا شهرهاست که می‌تواند مثبت و موجد نوآوری باشد یا زمینه وابستگی، از خود بیگانگی و 'ازدحام سرسام آور آدمها' در کندوهائی به نام شهر گردد. افلاطون و ارسطو از قدما عقیده داشتند شهر تا حدی می‌تواند به رشد خود ادامه دهد و با نشاط و منظم بماند ولی پس از آن 'حد متناسب'، شهر دچار بحران و هرج و مرج خواهد بود و آسایش از آن رخت بر خواهد بست. یا طرفداران مکتب شیکاگو که محیطهای شهری، حداقل شهرهای بزرگ را آزمایشگاهی مملو از مسائل و آسیبهای اجتماعی می‌دانند. طرفداران مکتب وابستگی با اصل شهرنشینی و شهری شدن مخالفتی ندارند ایراد اساسی آنها به نوع مدل و الگوی شهری شدن و شهرنشینی بادکنکی و در عین حال وابسته از ابعاد مختلف در جوامع در حال توسعه است.

در این بررسی از برخی گزاره های اصلی نظریه‌ها و مکاتب، رهیافتهای تحلیل شهر و شهرنشینی استفاده شده است. شاید در نگاه اول جمع کردن سه نگرش که گاهی با هم اختلاف مشهودی دارند کار بس دشوار باشد. اما همچنانکه می‌دانیم انسان بویژه جامعه 'منشوری کثیر الاضلاع' است و پرداختن به آن از یک زاویه خاص و البته محدود راه به جایی نمی‌برد، شاید یکی از علل عدم موفقیت برخی تلاشها در علوم اجتماعی و سایر رشته‌های علوم انسانی از همین جا ناشی می‌شود. از سوی دیگر تأکید بر تحلیلهای چند متغیره و چند گانه در علوم اجتماعی مدرن به جای تبیینهای ساده و تک متغیری کلاسیک نیز مؤید همین امر می‌باشد.

تأکید اساسی ما در تحلیل حاضر متأثر از سه مکتب:

وابستگی،

شیکاگو و

نوسازی ست (که مباحث روان شناسی نیز تا حدودی زیاد در دل این رهیافت مستقر است) که اولی بیشتر به ساختارها و علل رشد متفاوت الگوهای شهرنشینی، دومی به پیامدها و روابط ناشی از چالش محیط و انسان در شهرها و پروسه‌ها و پویسهای ناشی از تمرکز در نقاط شهری و سومی به رابطه توسعه و شهرنشینی (فرایند) تأکید می‌کنند. سود جسته‌ایم. شاید در نگاه اول جمع بین دیدگاههای متفاوت و گاهی حتی متضاد کاری دشوار باشد، مثلاً مطالعه شهرنشینی همزمان از دو دیدگاه تقریباً نقیضی، مانند وابستگی و نوسازی ست. ولی واقعیت شهر به عنوان یک پدیده اجتماعی همانند بسیاری از موضوعات کثیرالابعاد است و هر یک از نظریات و مکاتب از زاویه خاصی به آن می‌نگرند که همه حقیقت یا واقعیت را نمی‌پوشانند، پدیده‌های اجتماعی مانند داستان فیل مولانا ست.

یافته های تحقیق

تجارب جهانی موید وجود رابطه مثبت بین شهرنشینی و توسعه می‌باشند. از سوی دیگر، شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه از 'تئوری تسلط تک شهری' تبعیت می‌کنند، به عبارت دیگر، مواهب توسعه بین مناطق مختلف به صورت نابرابر توزیع شده، به همین دلیل یکی از مشکلات اساسی توسعه در کشورهای در حال توسعه، عدم برابری یا حتی نزدیکی سطوح توسعه مناطق مختلف این کشورهاست. معمولاً پایتخت و یکی دو شهر بزرگ اغلب امکانات آموزشی، فرهنگی به ویژه اقتصادی را به خود اختصاص می‌دهند، کارخانه های مادر مانند ذوب آهن، صنایع پتروشیمی، دانشگاههای معتبر، بازارهای بزرگ، بیمارستانهای مجهز، همچنین سینماهای پیشرفته، کتابخانه های مادر، سالنهای بزرگ تئاتر، همه و همه در این چند قطب محدود مستقر می شوند و مابقی نواحی کشور به عنوان اقمار و پیرامونی (شبهه وضعیتی که کشورهای در حال توسعه در ارتباط با جوامع پیشرفته و صنعتی دارند) فاقد چنین امکاناتی هستند.

یکی از دلایل اصلی موجهای مهاجرت به سمت پایتخت در این کشورها همین توزیع نابرابر امکانات و منابع بین قطبهای برخوردار و محروم می باشد. به عبارت دیگر، عدم آمایش

و تمرکز گرایی شدید، علت اصلی هجوم به مرکز و ظهور پدیده 'شهرهای متورم' در جوامع کمتر توسعه یافته می باشد. شکاف و نابرابری تنها در سطح کشور و بین مناطق روستائی - شهری استانها ملحوظ است، بلکه، در داخل استانها نیز وجود دارد و حتا در مواردی این نابرابری در داخل استان بیشتر از نابرابری در سطح کشور است. البته این نابرابری ریشه در ساختار و شیوه سازماندهی جامعه دارد و نظام شهری نیز از این قاعده مستثنی نیست. شکل و بافت شهری نتیجه مستقیم شیوه‌هایی است که جوامع مختلف طبق آن سازمان یافته‌اند.

جدول (۲) تغییرات جمعیت نقاط شهری کشور ۷۵-۱۳۳۵

شاخص افزایش ۱۳۳۵=۱۰۰	افزایش بین دو سرشماری		جمعیت	سرشماری
	نسبی (درصد)	مطلق		
۱۰۰,۰۰	x	x	۵۹۵۳۵۶۲	۱۳۳۵
۱۶۴,۵۰	۶۴,۵۰	۲۸۴۰۶۸۳	۹۷۹۴۲۴۶	۱۳۴۵
۲۶۶,۳۰	۶۱,۹۰	۶۰۶۰۴۳۳	۱۵۸۵۴۶۸۰	۱۳۵۵
۴۵۰,۹۰	۶۹,۳۰	۱۰۹۸۹۸۸۱	۲۶۸۴۴۵۶۱	۱۳۶۵
۶۱۸,۴۰	۳۷,۱۵	۹۹۷۳۲۲۸	۳۶۸۱۷۷۸۹	۱۳۷۵

داده های جدول نشان می دهد که جمعیت مناطق شهری در فاصله مورد بررسی نسبت به شاخص سال پایه بیش از ۶۰ درصد رشد داشته است، و این مؤید تئوری های مربوط به رشد لجام گسیخته شهری در کشور های در حال توسعه و از جمله در ایران است.

جدول (۳) متوسط رشد سالانه جمعیت کشور به تفکیک نقاط شهری و روستائی

دوره	کل کشور	نقاط شهری	نقاط روستائی
۱۳۵۵-۶۵	۲,۹۱	۴۱,۵	۲,۲۷
۱۳۵۵-۷۵	۲,۹۲	۴,۳۰	۱,۳۰
۱۳۶۵-۷۵	۱,۹۶	۳,۲۱	۰,۲۸

رشد جمعیت در دوره ۷۵-۱۳۵۵ برای کل کشور ۲,۹ درصد و ۴,۳۰ درصد برای نقاط شهری و ۱,۳۰ درصد برای نقاط روستائی بوده است. رشد متوسط سالانه جمعیت در دوره ۷۵-۱۳۶۵، برای کل کشور ۱,۹۶ درصد، ۲,۲۱ درصد برای نقاط شهری و ۰,۲۸ درصد برای نقاط روستائی می‌باشد، و رشد متوسط سالانه جمعیت در دوره ۷۵-۱۳۷۰ برای کل کشور ۱,۴۷ درصد، برای نقاط شهری ۲,۹۵ درصد و برای نقاط روستائی ۰,۶۴- درصد می‌باشد. مشاهده می‌شود همواره رشد شهرنشینی بیش از رشد کل کشور و روستائی است و این بیانگر تحولاتی از جمله تخلیه روستاها و هجوم به نقاط شهری است.

الف) یافته‌های میدانی

یکی از سوالات اساسی این بررسی شناخت مهمترین مسائل و مشکلات شهرنشینی کشور بوده است. که نتایج زیر از سه جامعه بدست آمده است:

جدول (۳) مقایسه مهمترین مشکلات شهرنشینی کشور از نظر صاحب‌نظران، شهروندان و شهرداران

شهرداران	صاحب‌نظران	شهروندان
۱- عدم احساس تعلق شهروندان و مشارکت پائین	۱- ترافیک ناهنجار	۱- کمبود امکانات رفاهی و خدمات شهری
۲- فقر فرهنگ شهرنشینی	۲- رشد ناهنجار و بی رویه شهرها	۲- بیکاری و نبود یا کمبود فرصت‌های شغلی
۳- حاشیه نشینی	۳- مسائل و مشکلات زیست محیطی، آلودگی و ...	۳- گسترش اعتیاد
۴- بیکاری	۴- مسکن و مسائل آن	۴- مدیریت ناکارآمد مجموعه‌های شهری کشور
۵- کمبود امکانات فرهنگی و مهاجرت بی رویه روستائیان به شهرها	۵- گسترش ناهنجاریهای اجتماعی، بیکاری و کمبود امکانات و خدمات شهری	۵- رشد بی رویه جمعیت و شهرنشینی و فرهنگ پائین شهرنشینی

جدول (۵) مقایسه نظرات شهروندان، شهرداران و صاحب‌نظران در خصوص تأثیر

شهرنشینی بر پیشرفت جوامع (به درصد)

شرح	شهروندان	شهرداران	صاحب‌نظران
موافق	۴۶/۵	۸۲/۶	۹۰
مخالف	۲۹/۵	۸/۷	۴
بینظر	۱۸	۸/۷	۶

در خصوص تاثیر شهرنشینی بر پیشرفت کشور هر سه جامعه آماری با اکثریت قریب به اتفاق موافقت کرده اند، ولی میزان موافقت صاحب نظران و شهرداران بسیار بالا است. جدول (۶) مقایسه نظرات شهروندان، شهرداران و صاحب نظران در باره تاثیر شهرنشینی بر گسترش انحرافات اجتماعی (به درصد)

شرح	شهروندان	شهرداران	صاحب نظران
موافق	۷۵/۳	۷۵	۸۴
مخالف	۱۵	۲۱	۱۴
بینظر	۹/۷	۴	۲

در زمینه ارتباط شهر نشینی و گسترش انحرافات اجتماعی و آسیبهای اجتماعی هم هر سه جز مصاحبه شوندگان با بیش از ۷۵ درصد به این ارتباط اعتقاد دارند، به عبارت دیگر، همزمان با گسترش شهر نشینی انتظار می رود آمار آسیبهای اجتماعی هم افزایش یابد. سنجش آمارهای ثانویه هم این ارتباط را تأیید می کند.

جدول (۷) تفاوت های شهرنشینی قبل و بعد از انقلاب (به ترتیب اولویت) از دیدگاه صاحب نظران و شهرداران

تفاوت ها از دیدگاه صاحب نظران	تفاوت ها از دیدگاه شهرداران
- مهاجرت گسترده به شهرها (از روستاها) - رشد بی رویه شهرها - ناهمگونی طبقاتی و افزایش فقر - ازدیاد جمعیت (رشد بالای جمعیت شهرها) - بهم ریختگی سیما و بافت شهرها	- تحول سریع و شتابان شهرنشینی - کاهش امکانات شهری - افزایش مهاجرت (روستا - شهری) - افزایش جمعیت نقاط شهری - عدم توجه دولت به شهر و شهرداریها

مهمترین تفاوت شهرنشینی قبل و بعد از انقلاب از دیدگاه صاحب نظران، مهاجرت بیشتر روستائیان به شهر و تغییر الگوی مهاجرت به سمت مهاجرت های خانوادگی و رشد سریع شهرهاست. ولی شهرداران رشد سریع در کنار کاهش امکانات و خدمات شهری را مهمترین

تفاوت عنوان می‌کنند. در سایر حوزه‌ها هم اگر نه در اولویت ولی اشتراک نظر دارند و این نشانه همسوئی نظرات صاحب‌نظران و شهرداران است.

الف: تحلیل و تفسیر نتایج داده‌های ثانویه

امروزه در بحث از توسعه شاخصهای تک متغیری مانند درآمد سرانه، سرانه مصرف انرژی و ... اعتبار کافی ندارند و محققین به شاخصهای ترکیبی مانند شاخص توسعه انسانی سازمان ملل^۱ که در آن به متغیرهایی چون امید به زندگی، تأمین معاش و درآمد سرانه و آموزش، که اولی معرف وضعیت بهداشتی، دومی معرف کیفیت معاش و زندگی و بالاخره سومی معرف وضعیت فرهنگی هستند، رو آورده اند. ما هم به تبعیت از این روند جهانی نگاه به توسعه، سعی کردیم با استفاده از شاخصهای چند متغیره به تحلیل میزان توسعه یافتگی یا عدم توسعه استانها و رابطه آن با شهر و شهرنشینی بپردازیم. از اینرو، در اینجا لازم است ابتدا مفاهیم توسعه، توسعه فرهنگی و توسعه شهری را روشن ساخته، سپس نتایج حاصل از سنجش این متغیرها در استانهای کشور را نقد و بررسی کنیم.

توسعه عبارت است از فرایندی چند بعدی که در جریان آن تغییرات اساسی در ساختار های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه رخ می‌دهد به گونه ای که سبب جهت گیری متفاوت نظام اجتماعی و تغییر وجه نظر مردم و طرز تلقی آنها می‌گردد. (تودارو ۱۳۶۵: ۱۱۵)

توسعه فرهنگی فرآیندی است که در طی آن با ایجاد تغییراتی در حوزه های ادراکی، ارزشی و گرایشهای انسان، قابلیتها و باورها، شخصیت ویژه ای را در آنها به وجود می‌آورد که حاصل این باورها و قابلیتها، رفتارها و کنش های خاصی است که مناسب توسعه می‌باشد. (ازکیا ۱۳۷۷: ۲۰) توسعه فرهنگی دگرگونی است که از طریق تراکم برگشت ناپذیر عناصر فرهنگی (تمدن) در یک جامعه معین صورت می‌گیرد و بر اثر آن جامعه کنترل مؤثری را بر محیط طبیعی و اجتماعی اعمال می‌کند. در این تراکم برگشت ناپذیر، معارف، فنون، دانش و تکنیک به عناصری که از پیش وجود داشته است و از آن مستقل شده، افزوده می‌شود. (توسلی، ۱۳۷۰: ۴۲۸) منظور از توسعه شهری در اینجا میزان بهبود و برخوردارگی از شاخصهایی چون آب لوله کشی شده، برق، تلفن، سرانه هزینه های عمرانی شهرداری،

شاخصهائی چون آب لوله کشی شده، برق، تلفن، سرانه هزینه های عمرانی شهرداری، شاخصهای بهداشتی و... است. و توسعه اقتصادی را بهبود در شاخص تولید ناخالص داخلی تعریف نموده ایم. بر این اساس، سعی کردیم سطوح توسعه فرهنگی، توسعه اقتصادی و شاخص توسعه شهری را در استانهای مختلف کشور مطالعه کنیم.

شاخصهای توسعه

به منظور سنجش سطوح توسعه استانهای مختلف کشور سه کار تعیین سطح توسعه با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی انجام گردید. هر کدام از تحلیلهای فوق با استفاده از تعدادی متغیر مورد سنجش قرار گرفت. علت انجام سه نوع تعیین سطح توسعه رسیدن به جامعیت تحلیلی و تبیین ارتباط انواع توسعه با یکدیگر بوده است. این سه مطالعه عبارت اند از:

۱- تعیین سطح توسعه عمومی استانها با استفاده از ۱۵ متغیر

۲- تعیین سطح توسعه فرهنگی استانها با استفاده از ۱۱ متغیر

۳- تعیین سطح توسعه شهری استانها با استفاده از ۱۴ متغیر^۱

مراحل کار

ابتدا شاخصهائی که به نظر محقق بر روی پدیده توسعه به طور کلی به صورت نظری مؤثر بودند بر اساس مطالعات پیشین و گزارشهای توسعه سازمانهای بین المللی و مطالعات مربوط به کشورهای توسعه نیافته شناسائی شد. سپس، از بین متغیرهای گوناگون گردآوری شده به تناسب تعدادی متغیر، وارد ماتریس همبستگی شدند و بر اساس محاسبه الفای کرنباخ همبستگی آنها با هم سنجیده شد.^۲ این ضریب بین ۱-۰ متغیر است. صفر نشانه عدم همبستگی متغیرها و یک نشانه همبستگی کامل متغیرها با هم می باشد. به عبارت دیگر، آیا احتمال سنجش شاخص واحدی نظیر توسعه از طریق متغیرهای فوق منطقی ست (در صورتیکه ضریب کرنباخ بیش از ۷۵ باشد ضریب قابل قبولی ست.)

۱- لیست کامل متغیرهای استفاده شده پیوست گزارش اصلی می باشد.

۲- طرق مختلفی در تعیین مناسب بودن مجموعه ای از متغیرها در ماتریس همبستگی برای تحلیل عامل وجود دارد... از جمله این راهها استفاده از آماره ای بنام KMO است که دامنه آن از ۰ تا ۱ است چنانچه مقدار این آماره بیش از ۷۰٪ بوده، همبستگیهای موجود به طور کلی برای تحلیل عامل بسیار مناسب اند. (نائبی، ۱۳۷۶: ۲۵۰)

شاخصهای مورد بررسی

پس از محاسبه آلفای کرونیباخ با وارد کردن متغیرهای مختلف به مدل که بیانگر همبستگی درونی متغیرها و در نتیجه نزدیکی آنها به هم، جهت تبیین یک شاخص خاص می‌باشد. در نهایت، یازده شاخص ذیل برای سنجش توسعه فرهنگی انتخاب شدند:

- ۱- میزان سواد ۲- نسبت اشتغال ۳- میزان بیکاری ۴- نسبت خانوار دارای تلفن
- ۵- نسبت کتاب ۶- نسبت تعداد سینما ۷- نسبت باسوادی زنان ۸- نرخ طلاق ۹- تعداد کتابخانه
- ۱۰- بار تکفل ۱۱- ارزش تحصیلات عالی. پس از محاسبه آلفای کرونیباخ برای متغیرهای فوق نتیجه زیر بدست آمد: ضریب همبستگی آنها ۸۶ درصد، که ضریب قابل قبولی می باشد به دست آمد^۱. سپس، با همین داده ها تحلیل عاملی^۲ انجام شد. و ۱۱ متغیر فوق بر اساس مقدار ویژه^۳، در ۳ عامل جای گرفتند که روی هم رفته می توانستند ۷۸ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین نمایند. سپس، ماتریس ضرایب همبستگی عامل محاسبه گردید و نیز نمودار پراکنش مقادیرهای ویژه به دست آمد تا ارزش هر متغیر در هر عامل مشخص گردد.
- عامل اول، شامل متغیرهای نسبت اشتغال به جمعیت فعال، بیکاری، بار تکفل.
- عامل دوم، شامل متغیرهای میزان باسوادی، نسبت تحصیلات عالی، نسبت باسوادی زنان، تعداد سینما.

عامل سوم، شامل متغیرهای طلاق، نسبت کتاب، تراکم نفر در واحد مسکونی می باشد. سپس، شاخص توسعه ای ساخته شد که متشکل از متغیرهای ۱۱ گانه فوق بود. اما، برای اینکه متغیرها جهت منفی خنثی شود، کلیه متغیرها با عدد ۳۰ جمع شدند. آنگاه نمره (شاخص) توسعه هر استان به دست آمد. نمره ها از حداقل (Min=۱۸/۳۱) تا (Max=۳۸/۴۴) بود. کمترین نمره توسعه متعلق به استان سیستان و بلوچستان و بیشترین نمره توسعه متعلق به استان سمنان بوده است. سپس، از طریق محاسبه دامنه تغییرات (که فاصله بین حداقل و حداکثر نمره استانها ست) استانها در پنج گروه تقسیم بندی شدند، گروه اول، با کمترین سطح توسعه شامل استانهای می باشد که نمره آنها بین ۱۸/۳۱ تا ۲۲/۳۳ بود و میانگین نمره توسعه مجموع استانها ۳۰ بوده است.

1 -Standard - Alpha = 0/86

2 -Factor Analysis

3 - Egn Value

جدول (۸) شاخص توسعه شهری، فرهنگی و اقتصادی استانها

نام استان	نمره توسعه اقتصادی	نمره توسعه فرهنگی	نمره توسعه شهری
آذربایجان شرقی	۲۹/۲۷	۳۱،۵۵	۵۲/۵۸
آذربایجان غربی	۲۹/۲	۲۷،۱۵	۴۸/۷۵
اصفهان	۳۶/۴۴	۳۶،۲۸	۵۵/۶۳
ایلام	۲۶/۷	۲۴،۱۰	۵۲/۹۲
بوشهر	۲۵/۰۰	۲۷،۵۵	۴۶/۸۷
تهران	۵۶/۴۱	۳۷،۷۰	۵۶/۸۳
چهارمحال و بختیاری	۲۳/۲۵	۳۱،۵۸	۵۶/۱۷
خراسان	۴۰/۸۵	۳۲،۲۵	۵۱/۷۳
خوزستان	۳۲/۸۸	۲۴،۸۵	۵۲/۲۳
زنجان	۲۵/۶۸	۲۹،۵۴	۵۷/۵۲
سمنان	۳۰/۹۳	۳۸،۴۴	۵۶/۹۱
سیستان و بلوچستان	۱۹/۷۷	۱۸،۳۱	۴۵/۰۱
فارس	۳۴/۲۲	۳۴،۴۵	۵۳/۶۸
کردستان	۲۸/۴۷	۱۸،۷۱	۴۸/۸۰
کرمان	۲۹/۶۲	۳۳،۷۴	۵۳/۰۴
کرمانشاه	۳۰/۰۶	۱۹،۶۴	۵۰/۲۵
کهگیلویه و بویراحمد	۲۳/۶۱	۳۱،۱۴	۵۴/۵۷
گیلان	۳۲/۳۵	۳۴،۵۳	۴۷/۶۳
لرستان	۲۴/۹۸	۲۱،۱۹	۵۶/۰۱
مازندران	۳۲/۳۲	۳۷،۹۳	۵۲/۹۷
مرکزی	۲۸/۸۵	۳۵،۲۸	۵۶/۶۱
هرمزگان	۲۲/۸۸	۲۶،۶۱	۴۹/۹۳
همدان	۲۹/۲۰	۲۹،۵۴	۵۳/۳۶
یزد	۳۱/۵۷	۳۷،۴۵	۵۶/۹۷

ضریب همبستگی بین میزان شهرنشینی و شاخص توسعه فرهنگی ($r = 0/40$) و شاخص توسعه اقتصادی ($r = 0/56$) و با شاخص توسعه شهری ($r = 0/77$) بوده است. در جدول شماره ۸ نمره بدست آمده برای هر استان در سه حوزه توسعه اقتصادی، فرهنگی و توسعه شهری منعکس شده است، نکته قابل توجه، رتبه آخرین استان، سیستان و بلوچستان در هر سه زمینه می باشد ولی استانهای رتبه اول در سه محور متفاوت هستند، هر چند این استانها همواره در گروه توسعه یافته ها قرار داشته اند.

جدول (۹) طبقه بندی سطوح توسعه فرهنگی استانها

گروه	دامنه نمرات	تعداد استانها	استانهای
کمترین توسعه	۱۸/۳۱ - ۲۲/۳۳	۴	سیستان و بلوچستان، کرمانشاه، کردستان، لرستان
کم	۲۲/۳۴ - ۲۶/۳۵	۲	خوزستان - ایلام
متوسط	۲۶/۳۶ - ۳۰/۳۸	۵	آذربایجان غربی، همدان، بوشهر، زنجان، هرمزگان
زیاد	۳۰/۳۹ - ۳۴/۴۰	۵	آذربایجانشرقی، کرمان، خراسان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد
بالاترین حد	۳۴/۴۱ - ۳۸/۴۴	۸	سمنان، تهران، مرکزی، گیلان، مازندران، فارس، یزد.

پس از مرور شاخصهای توسعه فرهنگی اکنون شاخصهای توسعه عمومی استانهای مختلف را مرور می کنیم و سپس به شاخصهای توسعه شهری و ارتباط این سه با هم خواهیم پرداخت.^۱ بررسی نمره توسعه عمومی استان نشان می دهد که دامنه نمره استانها از حداقل $min = 19,77$ تا حداکثر $56,41$ در نوسان بوده است. بنابراین، دامنه تغییرات $36,64$ می باشد. با استفاده از نمرات فوق، کلیه استانها در پنج گروه دسته بندی شدند که نتایج آن به شرح جدول شماره ۱۰ می باشد.

۱- محاسبه نمره استانها بر اساس فرمول زیر با استفاده از دستور compute بدست آمد:

$$Dev Index = [zdev_1 + zdev_2 + zdev_3 + \dots] + 30$$

جدول (۱۰) دامنه نمرات توسعه اقتصادی استانها

تعداد استانها	گروهها	دامنه نمره توسعه استانها
۹	گروه اول	۱۹/۷۷-۲۶/۹۷
۱۳	گروه دوم	۲۶/۹۸-۲۴/۳
۲	گروه سوم	۳۴/۴-۴۱/۷
۰	گروه چهارم	۴۱/۸-۴۹/۱
۱	گروه پنجم	۴۹/۲-۵۶/۴

نمره توسعه استانها نشانگر توسعه یافتگی برخی استانها در مقابل توسعه نیافتگی بعضی دیگر می باشد، شکاف قابل توجهی بین استان بسیار محروم با ۱۹,۷۷ امتیاز (نمره) و استان بسیار توسعه یافته با ۵۶,۴ نمره وجود دارد. در عین حال، تراکم تعداد زیاد استانها در گروه اول و دوم به ترتیب ۹ استان و ۱۳ استان که اکثریت قریب به اتفاق استانهای کشور را شامل می شود و در سطوح کمتر توسعه یافته است مبین توزیع نابرابر امکانات و مواهب ناشی از توسعه در کشور می باشد. در عین حال، تعداد انگشت شماری استان وجود دارند که سطوح توسعه بسیار قابل توجهی دارند. ولی هیچکدام به نمره پایتخت نزدیک نیستند و تهران بتنهایی یک گروه مستقل را تشکیل می دهد و این خود نماد گویای «تمرکز گرایی شدید» برنامه ریزیهای اقتصادی - اجتماعی در کشور است: تهران توسعه ای حیرت انگیز می یابد و ... تهران به کشوری در درون کشور تبدیل می گردد (حبیبی، ۱۳۷۵: ۱۵۰)

شاخصهای به کار رفته در تدوین شاخص توسعه عمومی عبارت اند از: ۱- نرخ رشد جمعیت ۲- نرخ عمومی فعالیت ۳- نرخ اشتغال ۴- نرخ اشتغال صنعتی ۵- نسبت جمعیت باسواد ۶- نسبت باسوادی زنان ۷- نسبت دارای تحصیلات عالی ۸- تعداد کارگاههای بزرگ صنعتی ۹- نرخ مهاجرت ۱۰- نرخ اشتغال کشاورزی ۱۱- نرخ طلاق ۱۲- نرخ بیکاری ۱۳- پوشش واقعی تحصیلی ۱۴- تعداد تخت بیمارستان ۱۵- تعداد کتابخانه های عمومی

برای سنجش شاخص توسعه شهری استانها از متغیرهای ذیل بهره گرفتیم:

۱- درصد هزینه های عمرانی شهرداری ۲- نسبت پزشک در شهر ۳- نسبت مراکز بهداشتی و درمانی ۴- سرانه مصرف برق ۵- درصد خانوار دارای تلفن ۶- نسبت خانوار دارای آب لوله کشی ۷- تراکم نفر در اتاق ۸- تراکم خانوار در واحد مسکونی ۹- درصد طلاق

۱۰- درصد خانوار مالک مسکن ۱۱- درصد باسواد ۱۲- نسبت صندلی سینما ۱۲- درصد
 یبکاری ۱۴- درصد شاغلان به جمعیت فعال. نمره توسعه شهری از حداکثر $۵۶/۸۲$ برای
 استان تهران تا $۴۵/۰۱$ برای استان بسیار محروم سیستان و بلوچستان در نوسان می باشد.
 ضرائب همبستگی محاسبه شده بین این سه شاخص گویای ارتباط نزدیک و معنی دار این سه
 متغیر می باشد. به عبارت دیگر، استانهای توسعه یافته ایران تنها در یک زمینه از رشد و
 توسعه قابل ملاحظه در مقایسه با دیگران برخوردار نیستند. بلکه، در همه زمینه ها و شاخصها
 فاصله استانها محسوس است.

آزمون فرضیات و تحلیل نتایج

در این تحقیق (رساله) شهر و شهرنشینی به عنوان متغیر مستقل منظور شده اند؛ اما،
 باید یادآور شویم، شهرنشینی دارای دوگونه تاثیر بر سایر پدیده ها می باشد، برخی از این
 تأثیرات به صورت مستقیم و بعضی دیگر از طریق سایر متغیرها، اثراتی بر جای می گذارند،
 بنابراین، برخی از تأثیرات شهرنشینی به نفس شهرنشینی ارتباط مستقیم ندارند، اما به دلیل
 همزاد بودن با شهر و شهرنشینی، ما به سنجش تأثیر ناخالص آنها اقدام کرده ایم، به عبارت
 دیگر. همزمان با گسترش شهرنشینی در یک جامعه شرایطی پدید می آید که زمینه بروز و
 ظهور برخی پدیده ها فراهم می گردد. این تأثیر هم از جنبه های مثبت و هم از بعد پیامد های
 منفی قابل بررسی است. همچنانکه هر سه جامعه آماری این مطالعه (در یک ارزیابی ظاهرا
 پارادوکسیکال) هم رابطه شهر و توسعه و پیشرفت را و هم تأثیر گسترش شهرنشینی بر
 افزایش آسیبهای اجتماعی را تأیید و تأکید نمودند. رابطه بین شهرنشینی به عنوان متغیر
 مستقل و شاخصهای اقتصادی، اجتماعی که در ماتریس همبستگی نمایان شده است، بیانگر
 ارتباط متغیر های وابسته مورد بررسی با پدیده شهرنشینی است. میزان شهرنشینی با
 توسعه فرهنگی ($r = ۰/۴۰$) و توسعه اقتصادی ($r = ۰/۵۵$) همبستگی قابل توجه و معناداری
 دارد.

یکی از فرضیات مورد بررسی، وجود رابطه هم تغییری بین گسترش شهرنشینی و نرخ
 مشارکت زنان بوده است. نتایج بدست آمده فرضیه فوق را تأیید نمی کنند. به عبارت دیگر در
 استانهایی که دارای میزان بالاتری از شهرنشینی هستند، نرخ مشارکت بالا نیست، به نظر
 می رسد، دلیل این امر سنتی بودن بافت شهری در ایران (گسترش روستا- شهرها) می باشد.

به عبارت دیگر بخش قابل توجهی از شهر های ما فقط از بعد آماری و رسمی شهر هستند و از شهریت واقعی در آنها خبری نیست و روابط غالب در این شهرها، سنت های دیرین است.

جدول (۱۱) ماتریس همبستگی شهرنشینی و متغیرهای مورد بررسی

(۳)	(۳)	(۲)	(۱)	
-۰.۴۴۱	.۱۴۵	.۳۹۸	۱,۰۰۰	میزان شهرنشینی (۱)
.۰۲۴	.۴۷۸	.۰۴۴		
.۱۲۲	.۴۱۶	۱,۰۰۰		طبقه متوسط (۲)
.۰۵۲	.۰۳۴			
-۰.۴۳۱	۱,۰۰۰			سواد زنان شهری (۳)
.۰۲۸				
۱,۰۰۰				بعد خانوار (۴)

یکی دیگر از فرضیات این تحقیق وجود رابطه بین ظهور طبقه متوسط و گسترش شهرنشینی است، همبستگی محاسبه شده بین این دو متغیر گویای همبستگی این دو متغیر است. ($r = ۰/۴۰$) همبستگی بین شهرنشینی و بعد خانوار نیز نشانگر تاثیر منفی گسترش شهرنشینی بر بعد خانوار است. یعنی هر چه شهرنشینی افزایش می یابد، بعد خانوار کاهش می یابد، ($r = - ۰/۴۴$). همچنین نسبت طلاق در استانهای مختلف نشان می دهد که همراه با بالا رفتن شهرنشینی میزان طلاق هم افزایش می یابد. ($r = ۰/۳۹$) و این ارتباط معنا دار هم می باشد، به عبارت دیگر، همزمان با افزایش شهرنشینی باید انتظار افزایش نرخ طلاق را هم داشته باشیم. بین میزان شهرنشینی و نرخ مشارکت زنان در نیروی کار رابطه معناداری به دست نیامده است، این امر، به دو دلیل عمده، اول تعریف کار زنان در کشور و دوم نرخ بسیار بالای مشارکت زنان در نیروی کار روستائی و کشاورزی و در نتیجه کسب نمرات بالا به وسیله استانهای با نرخ روستا نشینی بالا مانند بویر احمد و چهار محال و بختیاری مربوط است.

ادامه جدول (۱۱)

شرح	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)
میزان شهرنشینی ۱۳۷۵ (۱)	۱,۰۰۰	-۰,۰۶۴	.۲۸۵	.۳۶ .۰۶۸
درصد مشارکت (۲)		۱,۰۰۰	-۰,۰۱۶	-۰,۰۴۵ .۸۲۸
نرخ طلاق (۳)			۱,۰۰۰	-۰,۰۲۵ .۹۰۵
نرخ خودکشی (۴)				۱,۰۰۰

بین میزان خودکشی و شهرنشینی در ایران رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و این رابطه معنی دار است و این موید تجربه مطالعات قبلی نظیر مطالعات دور کیم و ... در فرانسه یا محسنی تبریزی در ایران است ($R = ۰/۳۶$)

ادامه جدول (۱۱)

	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)
میزان شهرنشینی ۱۳۷۵ (۱)	۱,۰۰۰	.۱۴۲	.۱۲۹	.۳۹۸ [*] .۰۴۴
نسبت ازدواج به طلاق (۲)		۱,۰۰۰	.۲۴۱	.۰۱۳ .۹۵۱
تعداد شهر (۳)			۱,۰۰۰	.۳۱۷ .۱۱۴
توسعه فرهنگی (۴)				۱,۰۰۰ -۰,۳۱۷ -۰,۱۱۴

ادامه جدول (۱۱)

(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	
			۱,۰۰۰	میزان شهرنشینی ۱۳۷۵ (۱)
.۶۷۸ .۰۰۵	.۰۷۷ .۷۰۹	.۵۶۵ ^{**} .۰۰۳		
	.۲۴۴ .۲۳۰	۱,۰۰۰		نمره توسعه عمومی (۲)
	۱,۰۰۰			نسبت اجاره نشینی (۳)
۱,۰۰۰				سهم از مهاجرت کل (۴)

بین میزان شهرنشین و نمره توسعه اقتصادی استانها رابطه معنا داری وجود دارد ، این بدان معناست که استانهایی که دارای میزان بالای شهرنشینی هستند، توسعه یافته تر می باشند. بین میزان شهرنشینی و میزان اجاره نشینی هم ارتباط قابل توجهی منعکس نیست، این امر به دلیل عدم انعکاس واقعی نرخ اجاره نشینی در آمارهای کشور به خاطر ترس از مالیات و عوارض می باشد^۱. همچنین، رابطه بین میزان شهرنشینی و سهم استان از کل مهاجرتهای صورت گرفته نشانگر وجود ارتباط قوی و معنا دار بین این دو متغیر می باشد، استانهای دارای میزان بالای شهرنشینی، سهم بیشتری از مهاجران را هم جذب کرده اند، (استانهای شهرنشین تر مهاجر پذیرتر هستند)

شهرنشینی و رابطه آن با شاخصهای اجتماعی و اقتصادی

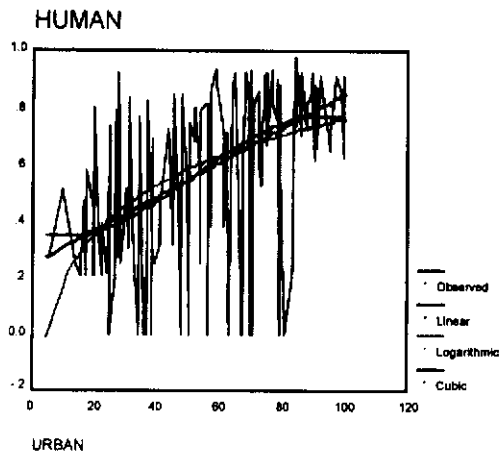
همچنین، بررسی رابطه شهرنشینی با شاخص توسعه انسانی^۲ سازمان ملل متحد برای کشورهای جهان نشان می دهد که بین شهرنشینی و توسعه انسانی همبستگی بالایی وجود

۱- در سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۸ که نویسنده در تهران مستاجر بود بارها بوسیله صاحبخانه توجیه می شد که اگر از دارایی مراجعه کردند، شما خود را به عنوان فامیل معرفی کنید و حتما بگوئید مجانی!!! در این ملک ساکن هستید.

دارد. شهرنشینی به عنوان متغیر مستقل در این تحلیل بخشی قابل توجه از نمره توسعه انسانی کشورهای جهان را تبیین می‌کند ($R^2 = ۰/۲۶$) ضریب همبستگی بین دو متغیر نیز ($r = ۰/۵۰۵$) و کاملاً معنی دار است. به عبارت دیگر کشورهای شهرنشین‌تر از توسعه بیشتری هم برخوردار هستند.

جدول (۱۲) رابطه بین میزان شهرنشینی و شاخص توسعه انسانی

شرح	(۱)	(۲)
میزان شهرنشینی (۱)	۱,۰۰۰	۰/۵۰۵
شاخص توسعه انسانی (۲)	۰/۵۰۵	۱,۰۰۰

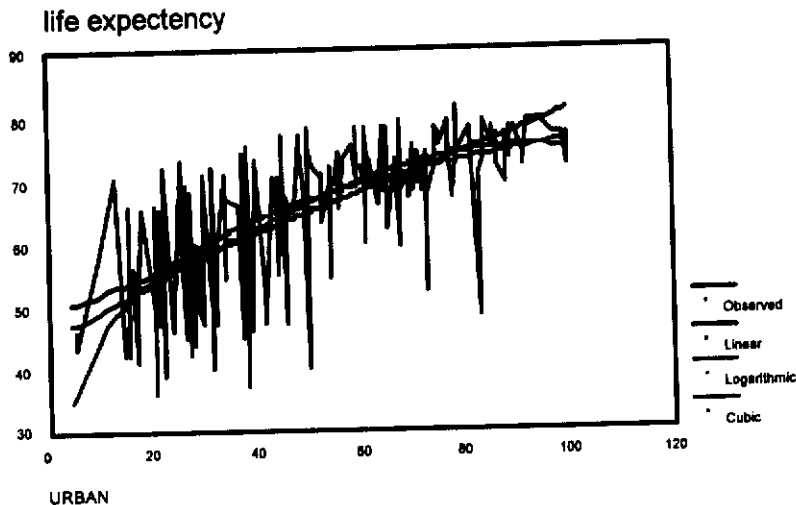


داده‌های مورد استفاده از گزارش‌های سالانه سازمان ملل متحد ۱۹۹۹ و ۱۹۹۸ استخراج شده‌اند

جدول (۱۳) رابطه شهرنشینی و امید زندگی در جهان

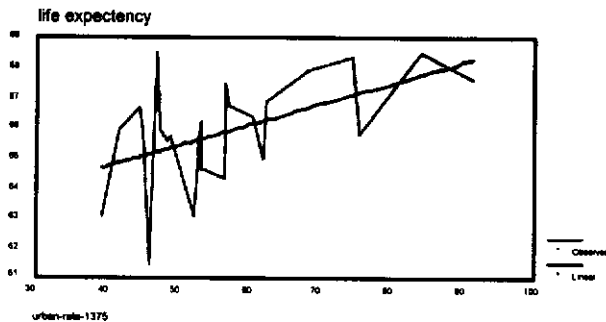
شرح	شهرنشینی	امید به زندگی
میزان شهرنشینی	۱,۰۰۰	.۶۷۷** .۰۰۰
امید زندگی	.۶۷۷** .۰۰۰	۱,۰۰۰

مناطق شهری به دلیل برخورداری از امکانات بهداشتی، اقتصادی و نیز افزایش سطح آگاهی و تسهیل دسترسی به مجموعه ای از ابزارها و وسایل مادی و معنوی، دارای کیفیت زندگی و سطح بهداشتی بالاتری هستند. محاسبه ضریب همبستگی بین شهرنشینی و امید زندگی در بین ۲۰۰ کشور جهان بسیار بالا ($r = .677$) و کاملاً معنا دار است. هرچند شهرها بویژه کلان شهرها خود زمینه بعضی بیماریها و مشکلاتی نظیر بیماریهای عصبی و قلبی هستند ولی شهرها عموماً کیفیت زندگی از بعد بهداشتی درمانی وضعیت بسیار بهتری از مناطق روستائی دارند. در تحلیل رگرسیونی تأثیر شهرنشینی بر امید زندگی نیز این تأثیر قابل ملاحظه قابل رویت است، یکی از شاخصهای توسعه انسانی سازمان ملل محاسبه امید زندگی^۱ است که معرف سطح بهداشت کشورهاست و عکس آن، یعنی محرومیت از بقا یا کسانی که به چهل سالگی نمی رسند (شاخص فقر انسانی) بررسی رابطه بین شهرنشینی و امید زندگی در ایران نشان می دهد که این همبستگی کاملاً معنا دار و مثبت و مستقیم است. یعنی، همزمان با افزایش شهرنشینی امید زندگی در بین انسانهای مختلف افزایش می یابد، مدل تحلیل رگرسیونی این ارتباط به شرح زیر می باشد.^۲ محاسبه انجام شده، نشان می دهد حدود نیمی از تغییرات امید زندگی به وسیله شهرنشینی قابل تبیین است و این میزان کاملاً معنا دار هم می باشد.



جدول (۱۴) رابطه شهرنشینی و امید زندگی در ایران

شرح	(۱)	(۲)
میزان شهرنشینی ایران (۱) Pearson correlation Sig. (۲-tailed)	۱,۰۰۰	.۵۱۳** .۰۰۷
امید زندگی (۲)	-.۵۱۳** .۰۰۷	۱,۰۰۰



تحلیل رگرسیونی در مدل‌های مختلف تأثیر شهرنشینی را بر مرگ و میر کودکان جهان نشان می‌دهد. حدود ۰/۲۹۵ در مدل خطی و ($R^2 = ۰/۳۳۲$) در مدل کیوبیک را متغیر شهرنشینی تبیین می‌کند و این تأثیر در هر دو مدل کاملاً معنا دار است. به عبارت دیگر، هر چه شهرنشینی در کشوری بیشتر گردد، از میزان مرگ و میر کاسته می‌شود و نمودار رگرسیونی و محاسبه ضریب همبستگی نیز این مهم را نشان می‌دهد که رابطه منفی معکوس معنا دار وجود دارد. ($r = -۰/۵۴$)

جدول (۱۵) رابطه بین شهرنشینی و مرگ و میر کودکان در جهان

شرح	(۱)	(۲)
میزان شهرنشینی (۱) Pearson correlation Sig. (۲-tailed)	۱,۰۰۰ ۲۰۱	-.۵۴۳** .۰۰۰ ۲۰۰
نسبت مرگ و میر کودکان (۲)	-.۵۴۳** .۰۰۰	۱,۰۰۰ .

شهرنشینی با شاخصهای توسعه ارتباط نزدیکی دارد. یکی از این شاخصها میزان مرگ و میر کودکان است. به عبارتی، هر چه در یک کشور یا استانی میزان شهرنشینی افزایش یابد انتظار می رود از میزان مرگ و میر کودکان به دلیل افزایش سطح خدمات بهداشتی، آگاهی خانوار و ... کاسته شود. محاسبه رابطه این دو نشان دهنده رابطه منفی و معنا دار بین آنهاست. ($r = -0/56$)

جدول (۱۶) همبستگی شهرنشینی و نرخ مرگ و میر کودکان در ایران

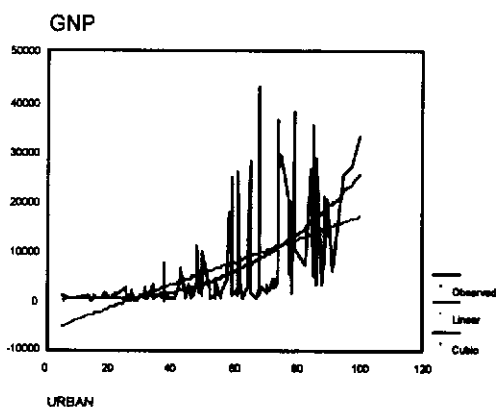
شرح	(۱)	(۲)
نسبت شهرنشینی (۱) Pearson correlation Sig. (۲-tailed)	۱,۰۰۰	-۰,۵۵۸ ,۰۰۳ ۲۶
مرگ و میر کودکان (۲) Pearson correlation Sig. (2-tailed)	-۰,۵۵۸ ,۰۰۳	۱,۰۰۰ .

شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه و نیز تعداد شهرها در مناطق مختلف توزیع مناسبی ندارد. تحلیل واریانس توزیع شهرنشینی طی سه دهه گذشته بین استانهای کشور نشان می دهد. این تفاوت معنا دار، بین گروههای مختلف (استانها) است. به عبارتی استانهای مختلف میزانهای کاملا متفاوتی از شهرنشینی را (نابرابر بودن شدید میزانهای شهرنشینی استانها) تجربه کرده اند و به دلیل ارتباط بین توسعه و شهرنشینی، میزان توسعه استانها نیز با هم تفاوت فاحشی دارد.

یکی از مهمترین شاخصهای توسعه در کشورهای مختلف میزان درآمد سرانه یا سهم هر کس از تولید ناخالص داخلی ست (هر چند معرف برخورداری همه آحاد جامعه از مواهب توسعه نباشد) سنجش رابطه بین شهرنشینی و میزان درآمد سرانه کشورها نشان می دهد. متغیر شهرنشینی بخش مهمی از تغییرات آن را تبیین می کند، و بین این دو هم تغییری قابل توجهی وجود دارد.

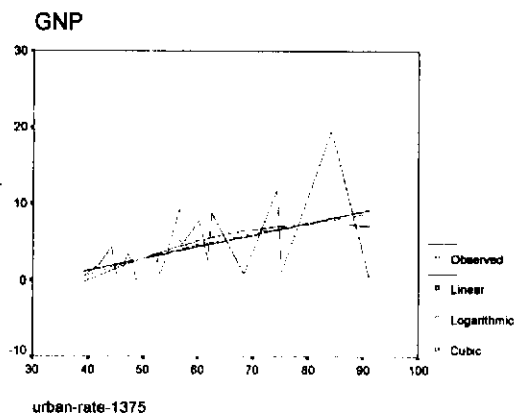
جدول (۱۷) رابطه بین تولید سرانه و میزان شهرنشینی در جهان

میزان شهرنشینی	GNP	شرح
.۵۹	۱,۰۰۰	GNP
۱,۰۰۰	.۵۹	میزان شهرنشینی



جدول (۱۸) رابطه بین میزان شهرنشینی و سهم از تولید ناخالص داخلی

میزان شهرنشینی استان	GNP	شرح
.۴۴۷	۱,۰۰۰	GNP
۱,۰۰۰	.۴۴۷	میزان شهرنشینی استان



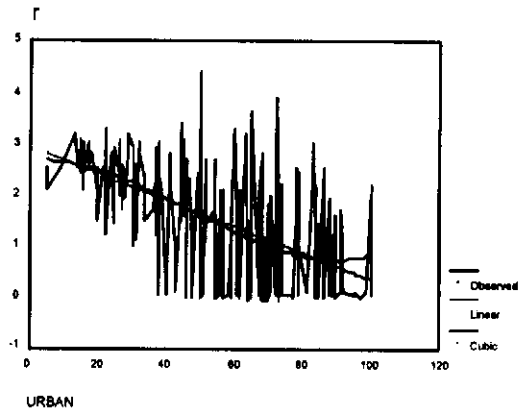
بررسی این شاخص (رابطه بین درآمد سرانه و میزان شهرنشینی) در کشور ایران هم موید رابطه جهانی ست، به عبارت دیگر، استانهای شهرنشین تر دارای سهم سرانه بیشتری از تولید ناخالص داخلی هستند، ضریب همبستگی محاسبه شده برابر $(r = ۰/۴۵)$ و معنا دار است.

گسترش شهرنشینی از عوامل گوناگونی متأثر است، یکی از مهمترین این متغیرها نرخ رشد طبیعی جمعیت است. زیرا افزایش شهرنشینی در یک کشور به چند دلیل عمده اتفاق می افتد از جمله مهاجرت، رشد جمعیت، و تغییر تعریف نقاط شهری، و بلعیده شدن روستاهای اطراف بوسیله شهرها، نرخ رشد جمعیت کشور طی چند دهه (۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵) و ارتباط آن با میزان رشد شهرنشینی محاسبه گردید، همبستگی محاسبه شده بین نرخ رشد این دو طی چند دهه گذشته در ایران بیانگر همسوئی و هم تغییری کامل آنهاست. $(r = ۰/۹۲)$ یعنی، طی دوره مورد بررسی جهت هر دو متغیر رشد صعودی ست (هر چند نرخ شهرنشینی همیشه بیش از رشد جمعیت بوده است). و نیز هرچه رشد جمعیت در کشور بالا بوده است در همان دوره ما شاهد رشد بیشتری در میزان شهرنشینی هم هستیم.

جدول (۱۹) همبستگی بین میزان رشد شهرنشینی و نرخ رشد جمعیت کشور

شرح	(۱)	(۲)
رشد نرخ جمعیت (۱) Pearson correlation Sig. (2-tailed)	۱,۰۰۰	.۹۲۵** .۰۲۵
رشد نرخ شهرنشینی (۲) Pearson correlation Sig. (2-tailed)	.۹۲۵** .۰۲۵	۱,۰۰۰

رشد جمعیت در مناطق روستائی بیش از مناطق شهری ست و با طبع کشور هائی که دارای شهرنشینی بالاتری هستند، انتظار می رود دارای نرخ رشد جمعیت کمتری باشند، هر چند این قاعده در همه جا به یکسان صادق نیست. در بین همه کشور های جهان، رابطه همبستگی معکوس منفی و کاملاً معنا داری بین این دو متغیر مشاهده می شود. این رابطه در کشور ایران نشان می دهد که استانهای دارای شهرنشینی بالاتر از نرخ رشد جمعیت کمتری برخوردارند و همبستگی این دو در ایران ($r = -0.540$) می باشد.



جدول (۲۰) رابطه شهرنشینی و رشد طبیعی سالانه جمعیت در جهان

(۲)	(۱)	
-.۰۵۴۰**	۱,۰۰۰	میزان شهرنشینی
.۰۰۰		Pearson correlation Sig. (2-tailed)
۱,۰۰۰	-.۰۵۴۰**	نرخ رشد جمعیت
.	.۰۰	Pearson correlation Sig. (2-tailed)
۲۰۱	۲۰۱	

نتیجه گیری:

تجربه جوامع توسعه یافته بیانگر هم تغییری توسعه با شهرنشینی است، رابطه بین شهرنشینی و توسعه در سطح دنیا نشان می دهد که سهم قابل ملاحظه ای از توسعه کشورها به وسیله متغیر شهرنشینی قابل تبیین است و در عین حال، این تأثیر کاملاً معنا دار است به عبارتی کشورهای شهرنشین تر در دنیا کشورهای توسعه یافته تری هستند. در ایران هم این ارتباط کاملاً صادق است یعنی استانهای با شهرنشینی بالا نمره توسعه بالاتری هم به خود اختصاص می دهند، نکته مهم دیگر این است که علاوه بر توزیع نابرابر میزان شهرنشینی در کشور، طی چند دهه گذشته همواره برخی استانها دارای بیشترین تعداد نقاط شهری نیز بوده اند و چون در نظام برنامه ریزی ما یکی از شاخصهای تخصیص بودجه تعداد شهر و شهرستانهای یک استان می باشد به طور طبیعی سهم این استانها از اعتبارات عمرانی و ملی و در نتیجه از تولید ناخالص داخلی بیش از دیگر مناطق بوده است. بنابراین، رشد شهرنشینی در کشور ما دارای چند ویژگی عمده مانند: شتابان، دارای توزیع بسیار نامتوازن و تمرکزگرایانه، برونزا و در ارتباط مستقیم با فروپاشی اقتصاد کشاورزی و روستائی در چند دهه اخیر بوده است. شهرنشینی با خود پیامدهای مثبت و منفی فراوانی به ارمغان می آورد بخصوص، سهم الگوی شهرنشینی در این میان قابل توجه است. بررسی رابطه شهرنشینی با متغیرهای اقتصادی و اجتماعی مانند طلاق، اعتیاد، سرقت، سن ازدواج، مرگ و میر کودکان، امید زندگی، مهاجر پذیری و... بیانگر وجود رابطه همبستگی قابل توجه با هریک از متغیرهای فوق می باشد.

منابع و مآخذ

- ۱- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۴) جامعه شناسی توسعه، تهران، نشر کلمه
- ۲- اعتماد، گیتی (۱۳۶۷) شهرنشینی در ایران، تهران، انتشارات آگاه
- ۳- پیران، پرویز (۱۳۶۹) دیدگاههای نظری در جامعه شناسی شهر و شهرنشینی، اطلاعات سیاسی و اقتصادی شماره های مسلسل ۴۰-۵۰
- ۴- پیران، پرویز (۱۳۶۶) شهرنشینی شتابان و ناهمگون، اطلاعات سیاسی - اقتصادی سال ۲، شماره ۱۴
- ۵- تودارو، مایکل (۱۳۶۶) توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، سازمان برنامه و بودجه
- ۶- توسلی غلامعباس (۱۳۷۴) جامعه شناسی شهری، تهران دانشگاه پیام نور
- ۷- دیکنز، پیتر (۱۳۷۵) جامعه شناسی شهری، ترجمه حسین بهروان مشهد، شرکت به نشرآستان قدس رضوی
- ۸- دواس، دی، ائی (۱۳۷۶) پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناشی، تهران نشر نی
- ۹- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۹) انومی در شهر تهران، تهران، شرکت سهامی انتشار
- ۱۰- زنجانی، حبیب اله (۱۳۷۰) جمعیت و شهرنشینی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
- ۱۱- حبیبی، محسن (۱۳۷۵) از شارتا شهر تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۲- جوان، جعفر (۱۳۶۶) جمعیت ایران و بستر جغرافیائی آن مشهد، دانشگاه مشهد
- ۱۳- صدیق، رحمت اله (۱۳۸۰) جزوه جامعه شناسی شهری دانشگاه تهران نیمسال اول ۱۳۸۰-۱۳۷۹
- ۱۴- طالقانی و دیگران (۱۳۶۹) مطالعات جامعه شناسی شهر تهران (جمعیت)
- ۱۵- گیلبرت و گاکلر (۱۳۷۵) شهرها، فقر و توسعه ترجمه پرویز کریمی و ناصر، شهرداری تهران.
- ۱۶- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۲) بررسی عوامل موثر بر گرایش به وندالیسم ناشر شهرداری تهران
- ۱۷- مرکز آمار ایران (۱۳۳۵) نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن
- ۱۸- مرکز آمار ایران (۱۳۴۵) نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن
- ۱۹- مرکز آمار ایران (۱۳۵۵) نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن
- ۲۰- مرکز آمار ایران (۱۳۶۵) نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن

- ۲۱- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵) نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن
- ۲۲- مرکز آمار ایران (۱۳۸۰) سالنامه آماری ۱۳۷۹
- ۲۳- میرزائی، محمد و دیگران (۱۳۷۸) جمعیت، توسعه و بهداشت باروری، تهران نشر بشری
- ۲۴- علوی، علیرضا (۱۳۸۰) الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، جلد دوم، ناشر وزارت کشور

منابع انگلیسی:

- 25-Butler.Edgar,w (1979) urban sociology , New York, Harper & Row
- 26-Bhagat.R.B(2001)urbanization in India,Brezil,general population conference
- 27-Mellor.J.R(1987)urban sociology in urbanized society .Routldge
- 28- PRB(1999).world population data sheet
- 29- United Nations (2000) Human Development Report